

آنمون (در)

دوتن

Mohamm

۱۳-۱۴ ۹

۷-۶ ۱۱

۱۱-۹-۲۰ محمد

مَدْعُومُ اللَّهِ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

اسماء و اعظ

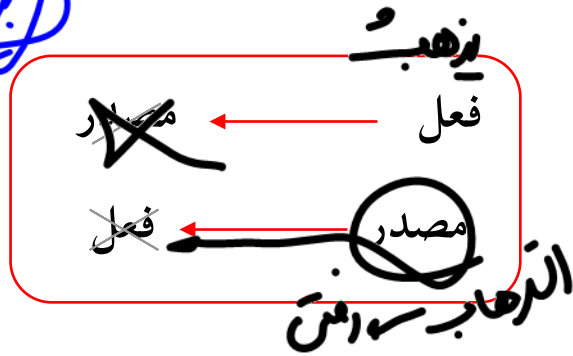
مفل

مفل

۱۱۱

نکات مهم در حل سوالات ترجمه

بر سرش اجبار باشد



مگر بر سرش اجبار باشد ← علی ، واجب علی ، یجب علی ، یلزم علی

اجبار بر سر مصدر ← مضارع التزامی
علیک الاحترام ← تو باید احترام بگذاری ← علينا الذهاب : ما باید برویم

حتی ۱ فعل هم میتونه مصدر رو فعلی ترجمه کنه: أريد الرجوع: می‌خواهم برگردم.

این ابراهیم بعضی استغناء به مناف : ... قصد دارم به شما رجوع کنم.

۱- «أدعُ إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي أحسن» :

(۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه ی نیکو دعوت کن ، و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!

(۲) به راه خدای خود به وسیله ی دانش و پند نیکو فراخوان ، و با آنان به وسیله ی سخنان خوب و زیبا مقابله کن!

دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه ی نیکو باشد ، و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!

فراخواندن با راه خدای خود را از طریق پند و اندرز ، زیبا انجام بده و با آنان با شیوه ای بهتر مقابله کن!

۲- «يحتاج شبابنا إلى نماذج مثالية في العلم والعمل حتى يُهدوا إلى الصراط المستقيم و
يتعدوا عن الضلالة!» :

- (۱) جوانان به نمونه های علمی و عملی برتری نیاز دارند تا به راه صحیح هدایت شده از گمراهی دور شوند!
- (۲) ~~احتیاج جوانان ما در علم و عمل به نمونه های برتر است تا راه درست را پیدا کنند و از ضلالت دور بمانند!~~
- (۳) ~~نیاز جوانان ما به نمونه هایی برتر در علم و عمل است تا به صراط مستقیم هدایت کرده از ضلالت دوری کنند!~~
- (۴) جوانان ما در علم و عمل به نمونه هایی برتر احتیاج دارند تا به راه مستقیم هدایت شوند و از گمراهی دور گردند!

۳- «الجمال هو أن تزرع وردة في بستان ولكن الأجل منه هو أن تغرس الحبّ و الصدق في
قلب انسان»:

- (۱) ~~زیبا آن است که گلی در بوستان کاشد و ولی زیباتر از آن داشتن عشق و راستی در قلب انسان است.~~
- (۲) زیبایی همان است که گلی را در یک بوستان بکاری ولیکن زیباتر ~~کاشد~~ و محبت و صفا در دل انسان است.
- (۳) ~~زیبا آن است که به کاشدن گلی در بوستان پرداخت، ولی زیباتر از آن اینک دوستی و راستی را در دل یک انسان بکاری.~~
- (۴) زیبایی آن است که گلی را در بوستانی بکاری ولیکن زیباتر از آن اینست که محبت و صداقت را در قلب انسانی بکاری.

تلمیذ / دانش آموز

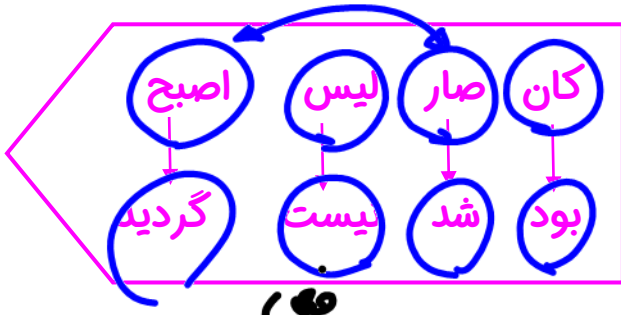
۲

دوازدهم فصل ۱۲۰۴
من صبر کنم
من صبر کنم
اننا صبر

اسمیه و فعلیه
جملات اسمیه و فعلیه

سرعتی افان
SE

افعال ناقصه
اسادی



۴- «يقول الأستاذ قول الفصل يوصينا ان نجانب من يهزل!» :

- (۱) استاد سخن حق را می گوید و سفارشهایش به ما این است که از افراد شوخ پرهیز کنیم!
- (۲) سخن استاد حق است و به ما توصیه میکند که از کسانی که شوخی میکنند پرهیز نماییم!
- (۳) سخن استاد حق است و توصیه اش به ما این است که از کسانی که شوخی می کنند دور باشیم!
- (۴) استاد سخن حق را می گوید و به ما سفارش می کند که از کسی که شوخی می کند، دوری کنیم!

۵- «الاستفادة من الجوال ليست مسموحة في حصّة الامتحان!» :

- (۱) استفاده از تلفن همراه در جلسه ی امتحان مجاز نیست!
- (۲) به کار بردن گوشی همراه در جلسه امتحان ممنوعی ندارد!
- (۳) آوردن تلفن همراه در جلسه ی امتحانات مانعی ندارد!
- (۴) از گوشی همراه استفاده کردن در جلسه ی امتحان مجاز است!

استاد و ارباب

دو روز (ماضی)

الان (حاضر)

دوازدهم انس

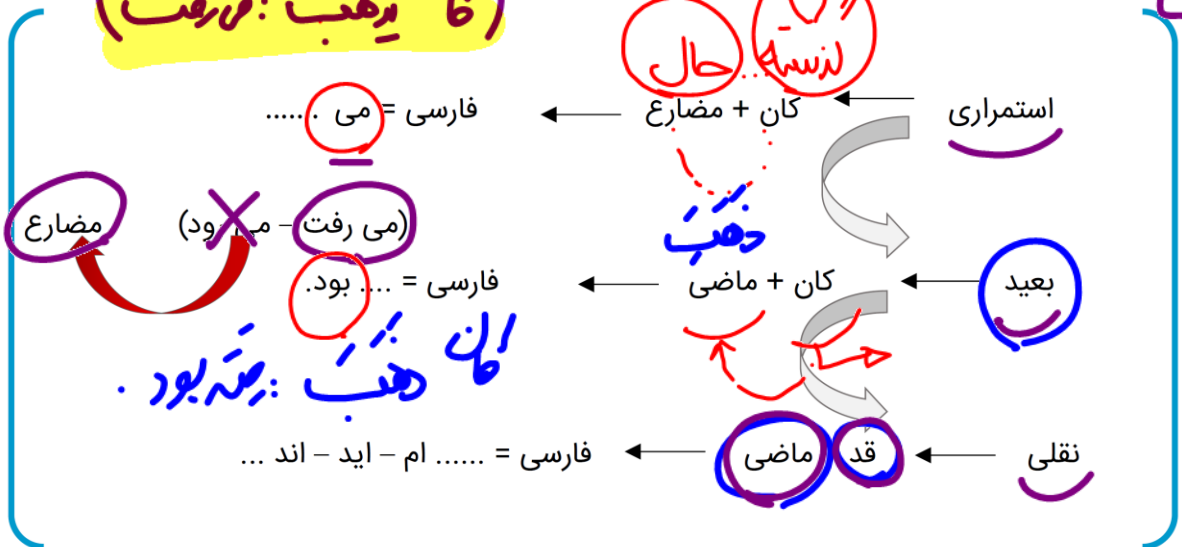
رفت
بود
بود

حاضر
بود
دارم

فعل

کان زمان رو میکشه عقب

(کان زهَبُ: رفت)



قد + ماضی می تونه بیاد / می تونه ذهب = قد ذهب

(رفت: زهَبُ)

• كَانِ الْمُهَنْدِسُونَ يَقْبَلُونَ عَلَى شِرَاءِ الدِّينَامِيتِ:

• الطَّالِبُ كَانِ يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ:

• كَانِ يَنْظُرُ هِشَامٌ إِلَى النَّاسِ وَمَعَهُ جَمَاعَةٌ:

• لاَ أَظُنُّ أَنَّ هُنَاكَ كُتُبًا مَكْرَرَةً: مضارع

• گمان نمی کردم آنجا کتاب های تکراری است. مضارع

• گمان نمیکنم کتاب های تکراری وجود داشته باشد. مضارع

• كَانِ النَّبِيُّ يَتَعَبُ فِي قَمَّةِ غَارِ حَرَا: پیامبر در غار حرا

• كَانِ قَدْ سَتَرَ عَلَى وَجْهِهِ:

• كَانِ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ:

• كَانُوا يَعْمَلُونَ جَيِّدًا:

• كَانُوا يَحْفَظُونَ دَرَسَهُمْ:

• هُمْ يَتَقَرَّبُونَ إِلَى الْخَيْرَاتِ:

صدرا الا مباد

جلس: نشست / احلین: بسته / لبهم بنید: بنشینید
حل: حل / در: در / حاصل: رسید / عقل: عقل / عاقل: عاقل



دوازدهم انسانی

- حینما اری النَّاسِ یُذهِبُونَ إلی الْحَجِّ ، تَمَرُّ أَمَامِی ذِکْرِیاتی :
- * وقتی مردم را می بینم که به حج می روند خاطراتم از برابرم می گذرند.
- * وقتی مردم را دیدم که به حج می روند خاطرات از برابرم می گذرند.
- ما إِسْتَطَاعَتْ أَسْرَتْهُ أَنْ تُرْسَلَهُ إلی الْقَاهِرَةِ لِتَکْمِیلِ دِراسَتِه :
- * خانواده اش نتوانست که برای تکمیل تحصیلش او را به قاهره بفرستد.
- * خانواده اش نمی تواند برای تکمیل تحصیل او را به قاهره بفرستد.
- أَشْهَدُ قَاسِماً وَهُوَ جَالِسٌ بَیْنَ الشَّجَرَتَیْنِ :
- * قاسم را می بینم ، در حالیکه میان دو درخت نشسته است.
- * قاسم را دیدم ، که میان دو درخت نشسته بود
- اَزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِی أَدِیَانِ النَّاسِ عَلَی مَرِّ الْعَصُورِ :
- * این خرافات در دین مردم در زمان های مختلف زیاد می شود.
- * این خرافات در دین های مردم در گذر زمان افزایش یافت.
- أَنْتُمْ مَا ذَکَرْتُمْ صَدِیقْکُمْ :
- * هم لا یَسْتَغْفِرُونَ :
- * هی ما إِسْتَغْفَرْتَ :

۶- إن ذهبنا من نفس الطريق الذي كنّا نذهب منه من قبل .. وصلنا إلى ذلك المكان الذي كنّا نصل إليه دائماً:

- (۱) اگر از راهی برویم که همیشه می رفتیم به آن مکانی میرسیم که قبلاً رسیده ایم.
- (۲) اگر از راهی رفتیم که قبلاً رفته بودیم به همان محلی که دائماً میرسیدیم رسیده ایم.
- (۳) اگر از همان راهی رفتیم که دائماً رفته بودیم به آن محلی که همیشه میرسیدیم میرسیم.
- (۴) اگر از همان راهی برویم که از قبل میرفتیم به همان مکانی می رسیم که همیشه میرسیدیم.

۷- كان ذلك العالمُ يُمضي أوقاته بالمطالعة و الدراسة و لا يتعد عن النشاط لحظة على رغم الظروف القاسية! :

- (۱) تمام وقت آن عالم در مطالعه و پژوهش می گذشت و با وجود شرایط سخت یک لحظه از فعالیت دور نمی شد.
- (۲) آن دانشمند اوقات خود را به مطالعه و تحقیق می گذراند و با وجود شرایط سخت لحظه ای از فعالیت دور نمی شد.
- (۳) وقت آن دانشمند به مطالعه و تحقیق می گذشت در حالیکه علی رغم شرایط سخت لحظه ای از کار دور نمی شود.
- (۴) آن عالم اوقاتش را در مطالعه و پژوهش می گذراند در حالیکه علی رغم شرایط سخت حتی یک لحظه از کار دور نمی شود.

۸- كان رجال هاتين القبيلتين يَنْهبون أموال الناس من طريق ذلك المضيق حتى أغلق بسند عظيم من الحديد و النحاس المذاب :

- (۱) مردان این دو قبیله اموال مردم را از آن تنگه به یغما می بردند تا اینکه با سد بزرگی از آهن و مس ذوب شده بسته شد.
- (۲) مردان آن دو قبیله اموال مردمان را از طریق این تنگه غارت کردند تا اینکه بوسیله ی سد بزرگی از آهن و مس مذاب بسته شد.
- (۳) بزرگان این دو قبیله داراییهای مردم را از راه آن تنگه به یغما می بردند تا اینکه با سدی بزرگ از مس و آهن آب شده بسته شود.
- (۴) بزرگان آن دو قبیله داراییهای مردمان را از طریق آن تنگه غارت می کردند تا اینکه بوسیله ی سد بزرگی از مس و آهن آن را بستند.

نص ۷

کان ، کانا ، کانوا کن ، کُنتَ ، کُنتُ ، کُنتَا

مهم مهم: کان میتونه روی همهی فعل‌های بعد از خودش که تأثیر بذاره فقط حواست باشه تو ۱ جمله باشن.

حواست به قد باشه

- بر سر ماضی ← بی بخاره.....
- بر سر مضارع ← حرف تقلیل ← گاها - به ندرت

- هو قد أرسل الخبر :
- إننا قد تكلمنا مع الطبيب عن مرضه :
- قد حفظني إيماني :
- أنتم قد استغفرتهم :
- هو قد يجتهد :
- قد يذكر جدی صديقه :
- هو قد خرج من المدرسة :

- ۹- قد توثر كلمات من شخص أو من كتاب في انفسنا تأثيراً عميقاً يظهر في أفكارنا و آرائنا :
- (۱) کلماتی از شخصی یا از کتابی بر وجود ما عمیقاً تأثیر می‌گذارد و در اندیشه و آراء ما ظاهر می‌شود.
 - (۲) قطعاً کلماتی از شخص یا کتابی در درونمان تأثیر ژرفی می‌گذارد که افکار و آراء ما آن را آشکار میکند.
 - (۳) گاهی کلماتی از شخصی یا کتابی در درون ما چنان تأثیر عمیقی می‌گذارد که در افکار و نظرات ما ظاهر می‌شود.
 - (۴) گاه کلمات شخص یا کتابی در وجودمان چنان تأثیر ژرفی بر جا می‌گذارد که اندیشه‌ها و نظریاتمان آن را نمایان می‌سازد.



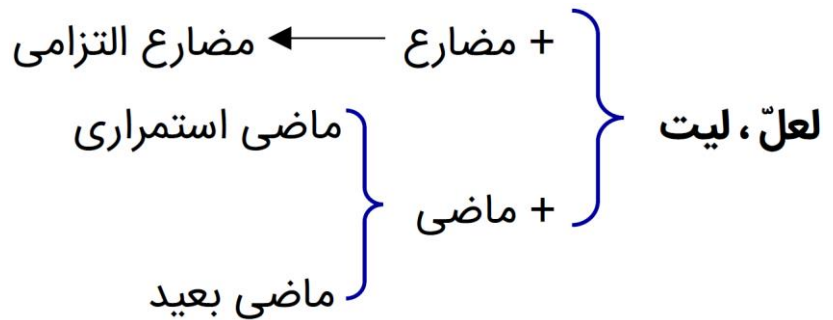
جلس الطفل يُشاهد والديه: کودک در حالیکه والدین خود را می دید نشست.

جلس در اینجا همان کار کان را انجام می دهد. چون هر دو فعل ماضی اند. (میکشه عقب)

• رایت الفلاح و هو یجمع المحصول:

الف- کشاورزی را دیدم که محصول را جمع می کند.

ب- کشاورز را دیدم در حالیکه محصول را جمع می کرد.



شاید این جمعه بیاید ← التزامی معنا میشه

* مثال: لعلکم تُفلحون: شاید شما رستگار شوید. *

* لیتکم ذهبتم: ای کاش رفته بودید، ای کاش می رفتید *

- لیتم یتغفرون لذنوبهم:
- تَمَنّی المزارع: لیت المطر ينزل كثيرا:
- * کشاورز ، باران زیاد بیارد.
- یا لیتنی اذهب مرّة اخرى الى الحج:
- لیت إطعام مساکیننا یكون مِنّا نحن نأكل:
- لیت الامتحان قد انتهى:
- لعلّ الصّبر یُنقذنا:

۱۰- « لیت قاطع الحطب علّق فأسه على غصن شجرة و رجع إلى البيت » :

- (۱) شاید هیزم شکن تبرش را بر شاخه ی درختی آویزان کرده باشد و به خانه اش بازگشته باشد.
- (۲) ای کاش هیزم شکنی که تبرش را بر شاخه ی درخت آویزان می کرد به خانه اش باز می گشت.
- (۳) ای کاش هیزم شکن تبرش را بر شاخه ی درختی آویزان می کرد و به خانه باز می گشت.
- (۴) هیزم شکن ای کاش تبرش را بر شاخه ی درختی آویزان کند و به خانه برگردد.

۱۱- «کاش همه ی شهرهای کشورم را می دیدم!» :

- (۱) لعلّني أشاهد مدن بلادي جميعاً!
- (۲) لیتني أنظر كلّ المدن في بلادي!
- (۳) لعلّني كنت أنظر مدن بلادي كلّها!
- (۴) لیتني كنت أشاهد جميع مدن بلادي!

ماضی استمراری

- کان + مضارع ← کان یذهب
- ماضی + مضارع ← رأیتُهُ یذهب
- لعلّ، لیت + ماضی ← لعلّهُ ذهب

ماضی بعید

- کان + ماضی ← کان ذهب
- ماضی + ماضی ← رأیتُهُ ذهب
- لعلّ، لیت + ماضی ← لیتُهُ ذهب

۱۲- إن شاهدت أحداً قد وصل إلى القمّة فأنّه کان يتحرّک عندما کان الاخرون نیاماً :

- (۱) اگر کسی را دیدی که به قله رسیده است ، قطعاً زمانیکه دیگران خفته بودند او حرکت میکرد.
- (۲) اگر مشاهده کردی کسی به قله ای رسیده ، حتماً در حرکت بوده است وقتی دیگران خوابیده بودند.
- (۳) اگر کسی را که به قله ای رسیده است ببینی ، قطعاً حرکتی داشته در حالیکه دیگران خوابیده بودند.
- (۴) اگر مشاهده کنی کسی را که به قله رسیده ، قطعاً در حالیکه دیگران خوابیده بودند میخواست حرکت کند.

۱۳- دعا الشرطی جماعة المشاغبین إلى إلّزام الصّمت و هو ما کان قد فکر کیف یطلب منهم أن یقوموا بذلك: پلیس گروه

- (۱) شلوغ کار را فراخواند و آنها را به پایبندی به سکوت ملزم کرد و به چگونگی عمل کردن آنها فکر نکرده بود.
- (۲) آشوبگر را به پایبندی به سکوت دعوت کرد در حالیکه فکر نکرده بود چگونه از آنها بخواهد بدان عمل کنند.
- (۳) پر سر و صدا را به ایجاد سکوت فراخواند اما فکر نمیکرد که آنها چگونه باید به آن عمل کنند.
- (۴) پر هیاهو را به سکوت دعوت کرد ولی به اینکه چگونه باید سکوت کنند اصلاً فکر نمی کرد.

لَمْ

لَمْ + مضارع مجزوم = ما + ماضی

لَمَّا

لَمْ يَذْهَبْ = لَمَّا يَذْهَبْ = مَا يَذْهَبْ = نَفَتْ ، نَفْتَهُ اسْت.

لَمْ تَمْنَعْ الْأُمَّ أَوْلَادَهَا عَنْ زِيَارَةِ الْأَقْرَبَاءِ :

• لَمْ يَرْسَلُوا وَاجِبَاتِهِمْ :

• لَمْ يَشَاهِدْ شَيْئاً :

• أَجَابَ : لَمْ تَسْأَلُونَنِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ :

* جواب داد: از من نپرسید ، از بت بزرگ پرسید.

* جواب داد: چرا از من می پرسید؟ از بت بزرگ پرسید.

• لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ :

• لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الْبَيْتِ :

۱۴- أ و لم يعلموا أَنَّ الله ييسط الرزق لمن يشاء :

- (۱) و ایا ندانسته اند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد می گستراند.
- (۲) و ایا نمی دانند که الله روزیها را برای هر کس بخواهد گسترش میدهد.
- (۳) ایا و ندانسته اند که الله روزیهای خود را برای کسی می گستراند که بخواهد.
- (۴) ایا و نمی دانند که خدا برای کسی که از او بخواهد روزی خود را می گستراند.

۱۵- «المفردات بین لغات العالم لم تتبادل فی سنة واحدة بل قد حدث هذا التبادل اثناء سنوات كثيرة و بهذا أصبحت اللغات غنية » : کلمات در بین زبانهای دنیا

- (۱) در یکسال رد و بدل نشد بلکه این تبادل در طول سالهای زیادی رخ داده است و بدین ترتیب زبانها غنی شدند.
- (۲) سالی یکبار تبادل نمی شدند بلکه این تبادل طی سالهای زیادی اتفاق می افتاد و زبان ها اینگونه توانمند می شدند.
- (۳) یکبار در سال تغییر نمی کردند بلکه این تغییر در مدت سالهای بسیار اتفاق افتاده است و بدین صورت زبانها بی نیاز می شدند.
- (۴) در یکسال رد و بدل نشده اند بلکه رخداد تبادل در اثناء سالهای زیادی بود و به این صورت زبان ها سرشار از توانایی شدند.

مهم: لَمَّا (بدون تاثیر) + (فعل ماضی یا مضارع مرفوع)

هنگامیکه

لم بر سر ماضی ← لِمَ ← به معنای چرا

لام جازمه (لام امر) ← اول جمله - معنی (باید) - در جمله **یک قسمتی**

لام ناصبه ← وسط جمله - معنی (برای اینکه) - در جمله **دو قسمتی**

مثال ← لِيَعْلَمَ الْإِنْسَانُ أَنَّ اللَّهَ يُنِيرُ صَدْرَهُ بِالْعُلُومِ النَّافِعَةِ:

.....